

بررسی تأثیر طرح هدف‌مندی یارانه‌ها بر الگوی مصرفی خانوارهای شهری در ایران

سید علی پایتختی اسکویی*

خلیل امامی**

تاریخ پذیرش
۱۳۹۵/۵/۱۳

تاریخ دریافت
۱۳۹۴/۷/۶

چکیده

الگوی مخارج به نحوه‌ی ترکیب اجزاء مخارج برای شکل‌دهی سطح مشخصی از مصرف خانوار گفته می‌شود. خانوار پس از بهینه‌بایی در مورد مصرف حال و آینده ترکیبی از مخارج را انتخاب می‌کند که رفاه حال و آینده‌ی خود را به حداکثر برساند. این مطالعه به بررسی تأثیر اجرای قانون هدف‌مندی یارانه‌ها بر الگوی مخارج مصرفی خانوارهای شهری ایرانی با استفاده از روش داده‌های تابلویی برای دوره زمانی ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۲ می‌پردازد.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد هدف‌مندی یارانه‌ها بر روی ۹ گروه از ۱۴ گروه مخارج خانوارهای شهری تأثیر معنادار داشته است. در این بین با اجرای هدف‌مندی یارانه‌ها سهم ۵ گروه مخارج هزینه‌های خوراکی، هزینه‌های حمل و نقل، هزینه‌های مربوط به خدمات فرهنگی و تفریحات، هزینه‌های غذای آماده و هتل و رستوران و هزینه‌های کالاها و خدمات متفرقه از مخارج کل خانوارهای شهری به طور معناداری افزایش یافته است. در مقابل سهم ۴ گروه مخارج هزینه‌های بهداشتی و درمانی، هزینه‌های ارتباطات خانوار، هزینه‌های آموزش و تحصیل، و سرمایه‌گذاری خانوار از مخارج کل خانوار شهری کاهش معنادار داشته است. بنابراین می‌توان گفت اجرای طرح هدف‌مندی یارانه‌ها از طریق تغییر در ترکیب هزینه‌ها- افزایش یا کاهش سهم هر یک از هزینه‌ها- بر الگوی مخارج مصرفی خانوارهای شهری در ایران تأثیر داشته است.

واژگان کلیدی: یارانه، هدف‌مند کردن یارانه‌ها، الگوی مخارج خانوار، داده‌های تابلویی.

طبقه بندی JEL: H25, R21, C22.

* استادیار گروه اقتصاد دانشکده مدیریت، اقتصاد و حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، نویسنده مسئول،
Paytakhti@iaut.ac.ir

** کارشناس ارشد اقتصاد دانشکده مدیریت، اقتصاد و حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز.

۱. مقدمه

مخارج مصرفی یکی از مهمترین رویکردهای تعیین استاندارد زندگی خانوارها تلقی می‌شود. خانوارها برای رسیدن به رفاه موردنظر پس از بهینه‌بازی در مورد مصرف حال و آینده ترکیبی از مخارج را انتخاب می‌کند که رفاه حال و آینده‌ی خود را به حداکثر برساند. نحوه‌ی ترکیب اجزاء مخارج برای شکل‌دهی سطح مشخصی از مصرف خانوار، الگوی مخارج مصرفی خانوار نامیده می‌شود.

از دید کلان، الگوی مصرف تقاضای کل کالاها و خدمات را در یک کشور به نمایش می‌گذارد و در اغلب موارد بیش از نیمی از تولید ناخالص داخلی (GDP) یک کشور را به خود اختصاص می‌دهد. از طرف دیگر الگوی مخارج مصرفی خانوارها سطح رفاه و فقری که یک کشور تجربه می‌کند، را نشان می‌دهد.

در هدف‌مندی یارانه‌ها جهت‌گیری حمایت به سمت افرادی است که از مخاطره و ریسک بالایی برخوردارند. هدف‌مندی به معنای افزایش سطح برخورداری گروه‌های آسیب‌پذیر از حمایت‌ها، مبحثی نوین در خصوص اندیشه دخالت و سیاست‌های حمایتی دولت‌ها است. در واقع رویکرد هدف‌مندی در عرصه سیاست‌های حمایت از اقشار آسیب‌پذیر، به معنای کاهش سهم طبقات بالای درآمدی و افزایش سهم طبقات پایین درآمدی از حمایت‌ها است. در این صورت، علاوه بر حصول اطمینان نسبی از تحت پوشش قرار گرفتن یا برخوردار شدن اقشار آسیب‌پذیر، توزیع درآمد نیز بهبود می‌یابد.

اجرای طرح هدف‌مندی یارانه‌ها از طریق افزایش درآمد خانوار و افزایش سطح عمومی قیمت‌ها می‌تواند الگوی مخارج مصرفی خانوارها را تحت تاثیر قرار دهد. مهمترین تاثیر طرح هدف‌مندی یارانه‌ها از مجرای تغییر قیمت کالاهایی که به دلیل اجرای این طرح تقاضای آنها دستخوش تغییر می‌شود، خواهد بود.

با توجه به اجرای فاز اول طرح هدف‌مندی یارانه‌ها از آذرماه سال ۱۳۸۹ انتظار بر آن است که اجرای این طرح، حداقل از دو روش ذکر شده الگوی مخارج خانوارها را تحت

تأثیر قرار دهد. بر این اساس این پژوهش سعی دارد با استفاده از روش اقتصادسنجی داده‌های تابلویی^۱، تأثیر اجرای هدف‌مندی یارانه‌ها بر الگوی مخارج مصرفی خانوارهای شهری ایرانی را مورد بررسی قرار دهد. چگونگی تأثیر پذیری الگوی مخارج مصرفی خانوارهای شهری ایرانی از هدف‌مندی یارانه‌ها مهمترین سوالی است که این مطالعه در پی پاسخ به آن است.

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

هدف‌مندی یارانه‌ها با اهدافی همچون تحقق عدالت (از طریق ایجاد دسترسی عادلانه مردم به امکانات و توزیع عادلانه منابع کشور) و تخصیص بهینه منابع (از مسیر شفاف سازی بیشتر و واقعی شدن قیمت‌های نسبی) متغیرهای کلان اقتصادی مانند تولید، مصرف، سرمایه‌گذاری و توزیع درآمد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. با اجرای طرح هدف‌مندی یارانه‌ها، نظام پرداخت یارانه از نظام پرداخت غیرمستقیم به نظام پرداخت مستقیم (یارانه نقدی) تغییر می‌یابد و با توزیع یارانه‌های نقدی می‌توان نتیجه گرفت که بازتوزیع درآمد به نفع دهک‌های پایین درآمدی و به زیان دهک‌های بالای درآمدی خواهد بود. در واقع با توجه به این که سهم دهک‌های بالای درآمدی از مصرف بیشتر کالاهای یارانه‌ای بسیار بیشتر از سهم دهک‌های پایین درآمدی است، افزایش قیمت کالاهای یارانه‌ای و بازتوزیع درآمد حاصل از آن، موجب انتقال درآمد از خانوارهای پر مصرف (دهک‌های بالای درآمدی) به خانوارهای کم مصرف (دهک‌های پایین درآمدی) می‌شود.

اجرای طرح هدف‌مندی یارانه‌ها به دو شیوه الگوی مخارج خانوار را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اول از مجرای افزایش درآمد خانوار که با توجه به نحوه‌ی اجرای این طرح در کشور، افزایش درآمد را بیشتر برای خانوارهای پرجمعیت (به دلیل تعداد اعضای بیشتر

^۱ Panel Data

این خانوارها) به همراه دارد. با افزایش درآمد نیازهای جدیدی برای خانوار مطرح می‌شود که کالاها و خدمات مربوط به آنها در سبد مصرفی خانوار قرار نداشته است و این به معنی تغییر الگوی مخارج مصرفی خانوار است. دوم از مجرای افزایش سطح عمومی قیمت‌ها و نیز تغییر قیمت کالاهایی که به دلیل اجرای این طرح تقاضای آنها دستخوش تغییر شده است. در این صورت قیمت‌های نسبی نیز تغییر پیدا می‌کند و باعث تغییر ترکیب کالاهای مصرفی خانوار (یا همان الگوی مخارج خانوار) می‌گردد.

صادقی و همکاران (۱۳۸۹) در مقاله‌ای تحت عنوان " اثر تعدیل قیمت حامل‌های انرژی بر متغیرهای کلان اقتصادی " با استفاده از الگوی خودرگرسیون به این نتیجه رسیدند که با اصلاح قیمت حامل‌های انرژی، رشد اقتصادی و مصرف بخش خصوصی کاهش یافته، تورم افزایش می‌یابد.

انصاری و سلامی (۱۳۹۳) به بررسی گزینه‌های مختلف تخصیص درآمدهای حاصل از طرح هدفمندی یارانه‌ها بین بخش‌های تولیدی و پیامدهای آن بر توزیع درآمد بین خانوارهای ایرانی با استفاده از ماتریس حسابداری اجتماعی پرداختند. براساس نتایج بدست آمده تخصیص درآمدها به بخش‌های تولیدی براساس ضریب فزاینده درآمدی منجر به کاهش نابرابری بین خانوارهای شهری و روستایی می‌شود.

حاضری نیری و حسینی نسب (۱۳۹۳) با استفاده از الگوی تعادل عمومی محاسبه‌پذیر استاندارد چگونگی اثر گذاری اصلاح یارانه انرژی بر رفاه دهک‌های درآمدی خانوارهای شهری و روستایی را مورد بررسی قرار دادند. نتایج بررسی نشان داد اصلاح یارانه انرژی از طریق افزایش قیمت انرژی منجر به کاهش رفاه خانوارهای شهری و روستایی می‌شود.

رنجبر و همکاران (۱۳۹۳) در مطالعه‌ای تحت عنوان تاثیر هدفمندی یارانه‌ها بر تغییرات معادل رفاه مصرف کننده در ایران، فرضیه برابری مقدار پرداختی دولت با تغییرات معادل رفاه افراد را در دوره زمانی ۱۳۹۴-۱۳۸۹ از طریق شبیه سازی متغیرهای

الگوی تقاضای مصرف‌کنندگان کشور با استفاده از تقاضای تقریباً ایده‌آل مورد آزمون قرار دادند. نتیجه این مطالعه نشان داد پرداختی دولت معادل با کاهش رفاه مصرف‌کنندگان نبوده است.

ابوالعینین و همکاران (۲۰۰۹)، در مقاله‌ای تحت عنوان "تأثیر حذف تدریجی یارانه فرآورده‌های نفتی در مصر" با استفاده از الگوی CGE به ارزیابی تأثیر حذف تدریجی یارانه سوخت در طی یک دوره‌ی پنج ساله در مصر پرداختند. آنها نشان دادند که حذف یارانه‌های انرژی، بدون اعمال سیاست‌های حمایتی و جبرانی، در دوره مذکور رشد سالانه GDP را به طور متوسط ۱/۴ درصد کاهش می‌دهد و موجب کاهش سطح رفاه کلیه گروه‌های درآمدی می‌شود. حذف یارانه‌های انرژی هم چنین نابرابری توزیع درآمد را نیز کاهش می‌دهد.

لین و جیانگ (۲۰۱۰) در قالب CGE (الگوی تعادل عمومی) برپایه داده‌های سال ۲۰۰۷ به بررسی اثر اصلاح یارانه انرژی بر متغیرهای اقتصاد کلان در چین پرداختند. نتایج این مطالعه بیانگر این است که تحت سناریوی بازتوزیع ۵۰ درصد ذخایر حذف یارانه، رفاه اقتصادی ۱/۵۲ درصد، تولید ناخالص داخلی ۱/۷۴ درصد و اشتغال ۲/۰۷ درصد افزایش خواهد یافت.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که اغلب مطالعات انجام شده در زمینه هدف‌مندی یا اصلاح یارانه‌ها به تجزیه و تحلیل و بررسی اثرات رفاهی یا اثرات تورمی هدف‌مندی یارانه‌ها پرداخته‌اند و پژوهش مشخصی در باره بررسی تأثیر پذیری الگوی مصرف خانوار از این طرح صورت نگرفته است.

۳. روش پژوهش

برای بررسی و تجزیه و تحلیل تأثیر اجرای طرح هدف‌مندی یارانه‌ها بر الگوی مخارج مصرفی خانوارهای شهری در ایران، براساس مبانی نظری و مطالعات تجربی انجام

گرفته، الگوی اقتصادسنجی به صورت زیر تصریح می‌گردد:

$$Y_{it} = \alpha H + \sum_{j=1}^n \beta_j X_{jit} + \varepsilon_{it}$$

که در آن Y_{it} عبارت است از میانگین سهم هر کدام از گروه‌های چهارده‌گانه مخارج از میانگین کل مخارج خانوارهای استان i در زمان t ، H متغیر مجازی مربوط به طرح هدف‌مندی یارانه‌هاست که برای سال‌های اجرای این قانون (سال‌های ۹۲-۹۰) مقدار یک و سال‌های قبل از آن مقدار صفر می‌گیرد و α ضریب برآورد شده برای آن خواهد بود. X ها نیز عبارتند از متغیرهای موثر بر الگوی مخارج خانوار ایرانی. (از قبیل میانگین سن سرپرست خانوار در هر سال، میانگین تحصیلات سرپرست خانوار، میانگین بعد خانوار و ...) و β ها ضرایب مربوط به این متغیرها خواهند بود و ε نیز جمله‌ی خطا است. لازم به ذکر است برای نیل به اهداف پژوهش برای هر یک از گروه‌های مخارج یک رگرسیون جداگانه برآورد خواهد شد. بعد مکان در داده‌های تابلویی مورد استفاده مربوط به هر یک از استان‌های کشور بوده و بعد زمان روند سهم هریک از گروه‌های چهارده‌گانه مخارج خانوارهای شهری در دوره زمانی ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۲ را دربر می‌گیرد.

الگوی فوق با استفاده از روش داده‌های تلفیقی یا داده‌های تابلویی و با استفاده از داده‌های هزینه-درآمد خانوارهای ایرانی از سال ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۲ برای استان‌های کشور برآورد می‌گردد. از آنجا که این داده‌ها به صورت خام توسط مرکز آمار ایران در اختیار پژوهشگران قرار می‌گیرد، جهت استخراج داده‌ها به صورت قابل استفاده در پژوهش، اقدام به خلاصه‌سازی داده‌ها در سطح استان با استفاده از نرم‌افزارهای ACCESS و EXCEL شده و پس از خلاصه‌سازی داده‌ها برای برآورد الگو از نرم‌افزار 8 Eviews استفاده می‌شود. معنادار بودن ضریب α بیان‌گر تأثیرگذاری هدف‌مندی یارانه‌ها بر الگوی مخارج خواهد بود و در صورتی که این ضریب معنادار نیست نتیجه‌گیری می‌شود که اجرای این طرح بر الگوی مخارج خانوار شهری در ایران موثر نبوده است.

از آنجا که در داده‌های هزینه-درآمد ۱۴ گروه کالایی تعریف می‌شود، و نسبتی که

هریک از این گروه‌های مخارجی از مخارج کل تشکیل می‌دهد در کنار هم به عنوان الگوی مخارج شناخته می‌شود، بنابراین برای نیل به اهداف پژوهش برای هر یک از گروه‌های مخارج یک رگرسیون جداگانه برآورد خواهیم کرد. گروه‌های مخارجی که در داده‌های هزینه-درآمد ارائه می‌شوند عبارتند از:

- هزینه‌های خوراکی
- هزینه‌های مربوط به دخانیات
- هزینه‌های پوشاک و کفش
- هزینه‌های مسکن، آب، فاضلاب، سوخت و روشنایی
- هزینه‌های مبلمان، لوازم خانگی و نگهداری معمول آن‌ها
- هزینه‌های بهداشتی و درمانی
- هزینه‌های حمل و نقل
- هزینه‌های ارتباطات خانوار
- هزینه‌های مربوط به خدمات فرهنگی و تفریحات
- هزینه‌های آموزش و تحصیل
- هزینه‌های غذاهای آماده، هتل و رستوران
- هزینه‌های کالاها و خدمات متفرقه
- هزینه‌های کالاهای بادوام منزل، سایر هزینه‌های خانوار و انتقالات
- سرمایه‌گذاری

در این مطالعه ما از نسبت هرکدام از ۱۴ گروه فوق به مخارج کل (سه‌م از هزینه کل خانوار) به صورت جداگانه به عنوان متغیر وابسته استفاده می‌کنیم. در کنار متغیر مجازی هدف‌مندی یارانه‌ها، با بررسی مطالعات پیشین یک‌سری متغیرهای مستقل کنترلی دیگر نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد که بر اساس مبانی نظری بر الگوی مصرف خانوار تأثیر دارند. لازم به ذکر است متغیرهای مستقل کنترلی برای هر یک از استانها به

طور جداگانه محاسبه گردیده‌اند. شرح کامل این متغیرها در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱. تعریف و علائم اختصاری متغیرهای پژوهش

متغیر	تعریف
ST	متغیر مجازی هدف‌مندی یارانه‌ها
AVRGAGE	میانگین سن سرپرستان خانوار
PRSNTMEN	درصد خانوارهای دارای سرپرست خانوار مرد
PRSNTMARRIED	درصد خانوارهای با سرپرست متأهل
PRSNTLIT	درصد خانوارهای با سرپرست باسواد
AVRGDGRALL	متوسط سطح سواد سرپرست خانوار
RPERGHAZINEH	میانگین درآمد خانوار (واقعی)
AVRGSIZE	میانگین تعداد اعضای خانوار
PRSNTUN6	درصد خانوارهای دارای اعضای زیر ۶ سال
PRSNT6TO18	درصد خانوارهای دارای اعضای ۶-۱۸ سال
PRSNTAB65	درصد خانوارهای دارای اعضای بالای ۶۵ سال
EXP01	هزینه‌های خوراکی
EXP02	هزینه‌های مربوط به دخانیات و نوشیدنی‌های طبقه‌بندی نشده
EXP03	هزینه‌های پوشاک و کفش
EXP04	هزینه‌های مسکن، آب، فاضلاب، سوخت و روشنایی
EXP05	هزینه‌های مبللمان، لوازم خانگی و نگهداری معمول آن‌ها
EXP06	هزینه‌های بهداشتی و درمانی
EXP07	هزینه‌های حمل و نقل
EXP08	هزینه‌های ارتباطات خانوار
EXP09	هزینه‌های مربوط به خدمات فرهنگی و تفریحات
EXP10	هزینه‌های آموزش و تحصیل
EXP11	هزینه‌های غذاهای آماده، هتل و رستوران
EXP12	هزینه‌های کالاها و خدمات متفرقه
EXP13	هزینه‌های کالاهای بادوام منزل، سایر هزینه‌های خانوار و انتقالات
EXP14	سرمایه‌گذاری خانوار

متغیر ST مربوط به هدف‌مندی یارانه‌ها است که برای سال‌های ۹۰، ۹۱ و ۹۲ مقدار ۱ و در بقیه‌ی سال‌ها مقدار صفر به خود گرفته است. متغیرهای EXP متغیرهای

وابسته‌ی پژوهش هستند که به منظور سهولت به همان ترتیبی که در داده‌های هزینه - درآمد نامگذاری شده‌اند در اینجا نیز آورده شده‌اند. برای برآورد الگوی ارائه شده از روش داده‌های تابلویی استفاده می‌شود. جهت کسب اطمینان از کاذب نبودن نتایج حاصله، قبل از برآورد الگوی فوق ابتدا آزمون ریشه واحد جهت بررسی پایایی داده‌های تابلویی انجام گرفته و در ادامه با استفاده از آزمون‌های شناسایی (آزمون معنادار بودن اثرات گروه و آزمون هاسمن)، روش برآورد الگو مشخص می‌گردد.

۴. نتایج برآورد الگو

برای پرهیز از رگرسیون کاذب بایستی ابتدا از پایایی متغیرهایی الگو اطمینان حاصل شود. برای سنجش پایایی متغیرهای الگو از آزمون ریشه واحد لوین، لین و چو^۱ (LLC) استفاده می‌کنیم. نتایج حاصل از آزمون ریشه واحد متغیرهای الگو و مر بوط به تمامی استان‌های کشور در جدول شماره ۲ گزارش شده است. همانگونه که از جدول شماره ۲ قابل مشاهده است تمامی متغیرهای الگو، در سطح و با در نظر گرفتن عرض از مبدأ و روند زمانی، در سطح معناداری یک درصد پایا هستند (به جز مخارج خوراکی شهری EXP01 که در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است). بنابر این فرضیه صفر مبنی بر وجود ریشه واحد رد می‌شود.

پس از بررسی پایایی متغیرها، امکان استفاده از روش داده‌های تابلویی برای برآورد الگو مورد آزمون قرار می‌گیرد. بدین منظور از آزمون اثرات ثابت (F لیمر) استفاده می‌شود. رد فرضیه صفر در این آزمون به معنی استفاده از روش داده‌های تابلویی و عدم رد فرضیه صفر بیانگر استفاده از روش حداقل مربعات معمولی تجمیع شده^۲ است. نتایج این آزمون برای الگوهای بکار گرفته شده در این پژوهش در جدول شماره ۳ ارائه شده است.

¹ Levin, Lin & Chu

² Pooled Least Square

جدول ۲. نتایج آزمون ریشه واحد LLC برای متغیرهای الگو

متغیر	سطح (متغیرهای شهری)	
	عرض از مبدأ	عرض از مبدأ و روند زمانی
AVRGAGE	۵.۶	-۱۳.۰۶ ***
PRSNTMEN	-۹.۵۹ ***	-۱۹.۵۱ ***
PRSNTMARIED	-۳.۲۷ ***	-۹.۹۳ ***
PRSNTLIT	-۷.۰۲ ***	-۳۲.۰۱ ***
AVRGDGRALL	-۲۲.۸۸ ***	-۴۰.۱۲ ***
RPERGHAZINEH	-۷.۷۴ ***	-۱۳.۷۴ ***
AVRGSIZE	-۳.۵۹ ***	-۱۶.۳۱ ***
PRSNTUN6	۱.۹۳	-۹.۶۷ ***
PRSNT6TO18	-۷.۰۰ ***	-۱۳.۴۶ ***
PRSNTAB65	-۳.۶۶ ***	-۱۳.۴۴ ***
EXP01	۱.۶۸	-۱.۹۵ **
EXP02	-۵.۸۱ ***	-۷.۰۵ ***
EXP03	-۶.۶۵ ***	-۹.۲ ***
EXP04	-۷.۹۷ ***	-۹.۲۶ ***
EXP05	-۶.۶۵ ***	-۱۷.۹۷ ***
EXP06	-۵.۵۴ ***	-۷.۱۸ ***
EXP07	-۵.۰۴ ***	-۷.۹۲ ***
EXP08	-۱۱.۱۷ ***	-۱۱.۱۲ ***
EXP09	-۷.۵۰ ***	-۳.۵۸ ***
EXP10	-۴.۶۵ ***	-۱۵.۲۵ ***
EXP11	-۹.۱۲ ***	-۱۰.۵۹ ***
EXP12	-۲۱.۳۰ ***	-۱۸.۲۲ ***
EXP13	-۰.۶۶	-۲۰.۸۴ ***
EXP14	-۵.۹۲ ***	-۹.۳۵ ***

ماخذ: محاسبات پژوهش

نتایج آزمون معنادار بودن اثرات گروه با استفاده از آماره آزمون F لیمر در جدول شماره ۳، بیانگر رد فرضیه صفر و لزوم استفاده از روش داده‌های تابلویی در تمامی الگوها و در سطح اطمینان ۹۵ درصد است. به عبارت دیگر معنادار بودن اثرات گروه

مؤید وجود تفاوت‌های معنادار در الگوی مخارج خانوارهای شهری در استان‌های مختلف کشور است.

برای تعیین روش تخمین در داده‌های تابلویی (با اثرات ثابت و یا با اثرات تصادفی)، از آماره χ^2 آزمون هاسمن^۱ استفاده می‌شود. بر اساس این آزمون، رد فرضیه صفر، بیانگر استفاده از روش اثرات ثابت است. نتایج مربوط به آزمون هاسمن برای الگوهای پژوهش در جدول شماره ۴ آمده است. نتایج آزمون هاسمن نشان می‌دهد که اثرات گروه در الگوهای برآورد شده تصادفی نیست و الگوها باید با روش اثرات ثابت برآورد گردند.

جدول ۳. آزمون معنادار بودن اثرات گروه

متغیر وابسته	آماره F
EXP01	۹.۵۴***
EXP02	۱۰.۹۱***
EXP03	۳۹.۸۷***
EXP04	۱۴.۳۳***
EXP05	۱۰.۰۳***
EXP06	۱۲.۰۹***
EXP07	۱۱.۹۶***
EXP08	۹.۹***
EXP09	۴.۹۵***
EXP10	۱۴.۰۵***
EXP11	۱۸.۷۶***
EXP12	۴.۶۴***
EXP13	۱۶.۱۴***
EXP14	۶.۰۳***

ماخذ: محاسبات پژوهش

^۱ Hausman

جدول ۴. نتایج آزمون هاسمن

متغیر وابسته	آماره χ^2
EXP01	۲۱.۷۴**
EXP02	***۹۰.۷۲
EXP03	***۱۰۶.۳۴
EXP04	**۲۳.۷۲
EXP05	***۴۳.۹۸
EXP06	***۶۲.۳۶
EXP07	***۶۷.۳
EXP08	***۷۴.۶
EXP09	***۳۸.۸۷
EXP10	***۱۱۱.۰۴
EXP11	**۲۴.۱۵
EXP12	***۳۰.۵۲
EXP13	***۳۲.۵۵
EXP14	***۳۷.۸۹

ماخذ: محاسبات پژوهش

نتایج برآورد الگوهای پژوهش با استفاده از روش اثرات ثابت و پس از حذف متغیرهایی که معنادار بودن آنها احراز نشده است در جدول شماره ۵ نشان داده شده است. همان طور که از جدول شماره ۵ قابل مشاهده است اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها بر روی ۹ گروه از ۱۴ گروه مخارج خانوارهای شهری تأثیر معنادار داشته است. در این بین با اجرای هدفمندی یارانه‌ها سهم ۵ گروه مخارج هزینه‌های خوراکی، هزینه‌های حمل و نقل، هزینه‌های مربوط به خدمات فرهنگی و تفریحات، هزینه‌های غذای آماده و هتل و رستوران و هزینه‌های کالاها و خدمات متفرقه از مخارج کل خانوارهای شهری به طور معناداری افزایش یافته است. در مقابل سهم ۴ گروه مخارج

هزینه‌های بهداشتی و درمانی، هزینه‌های ارتباطات خانوار، هزینه‌های آموزش و تحصیل، و سرمایه‌گذاری خانوار از مخارج کل خانوار شهری کاهش معنادار داشته است.

با اندکی تأمل در جهت تغییر سهم گروه‌های مخارج مختلف خانوارهای شهری نتایج جالبی بدست می‌آید. ۵ گروه مخارجی که سهم آنها از مخارج کل افزایش یافته همگی به لحاظ ماهیت با رفاه جاری خانوار در ارتباط هستند. یعنی با افزایش این گروه‌های مخارج رفاه خانوار در دوره‌ی جاری افزایش می‌یابد اما تأثیری بر رفاه دوره‌های آتی ندارد. برعکس ۳ گروه از ۴ گروه مخارجی که سهم آنها از مخارج کل کاهش یافته ماهیت سرمایه‌گذاری داشته و با رفاه در دوره‌های آتی ارتباط دارند. و تنها گروه مخارجی که مربوط به رفاه جاری بوده و کاهش یافته است، هزینه‌ی ارتباطات خانوار است. هزینه‌های بهداشتی و درمانی مخارجی است که افراد برای حفظ سلامتی و حفظ قدرت کار و کسب درآمد انجام می‌دهند و هزینه‌های آموزش و تحصیل نوعی از هزینه هستند که باعث افزایش توان و مهارت و قابلیت کسب درآمد بیشتر توسط افراد در آینده می‌شوند و در نهایت نیز سرمایه‌گذاری به نوعی گذشتن از درآمد و رفاه در دوره‌ی جاری برای افزایش درآمد و رفاه در دوره‌های آتی به حساب می‌آید.

بدین ترتیب مشاهده می‌شود که خانوارهای شهری پس از اجرای هدف‌مندی یارانه‌ها بیشتر بر رفاه جاری توجه کرده‌اند تا رفاه آتی. بدین ترتیب خانوارهای شهری دریافته‌های خود از محل یارانه‌ها را به عنوان نوعی درآمد دائمی برای خود منظور می‌کنند و این دریافته‌ها را با دریافته‌هایی که در صورت سرمایه‌گذاری در دوره‌های آتی برای آنها رخ می‌داد جایگزین کرده‌اند. مخصوصاً در دوره‌های اولیه که هنوز یارانه‌های نقدی بیشتر قدرت خرید خود را حفظ کرده‌اند چنین فرضی قابل قبول به نظر می‌رسد و لذا آنها نیز افزایش در درآمد ناشی از اجرای هدف‌مندی یارانه‌ها را به سمت مخارج صرفاً مصرفی هدایت نموده‌اند.

جدول ۵. نتایج حاصل از برآورد الگوهای نهایی (عوامل موثر بر الگوی مخارج خانوار شهری)

U	EXP01	EXP02	EXP03	EXP04	EXP05	EXP06	EXP07	EXP08	EXP09	EXP10	EXP11	EXP12	EXP13	EXP14
C	۱.۳ ^{***}	۰.۱۴ ^{**}	۰.۵۹ ^{**}	۰.۷ ^{**}	۰.۲۹ ^{**}	۰.۳۱ ^{**}	-۰.۰۷۹ ^{***}	-۰.۰۱	۰.۱۱۴ ^{**}	-۰.۰۳۴ ^{**}	۰.۰۹۵ ^{**}	-۰.۰۰۱	۰.۲۷ ^{***}	-۰.۱۴
ST	۰.۰۲۸ ^{***}	۰.۰۰۱	-۰.۰۰۵	۰.۰۰۰۳	-۰.۰۰۰۴	-۰.۰۱۱ ^{***}	۰.۰۰۶۶ ^{***}	-۰.۰۰۰۴ ^{***}	۰.۰۰۱	-۰.۰۰۲۶ ^{***}	۰.۰۰۱۶ ^{***}	۰.۰۰۲ ^{***}	۰.۰۰۰۷	-۰.۰۱۳ ^{***}
AVRGAGE	-۰.۰۰۳۹ ^{**}	-۰.۰۰۰۲ ^{***}	-۰.۰۰۰۱ ^{***}	-۰.۰۰۲۵ ^{**}	-۰.۰۰۱ ^{***}	-۰.۰۱۵ ^{***}	۰.۰۰۱۱ ^{***}	۰.۰۰۰۸ ^{**}	-۰.۰۰۰۴ ^{***}	۰.۰۰۰۷ ^{***}	-۰.۰۰۰۳۸ ^{**}		-۰.۰۰۰۳۶ ^{***}	۰.۰۰۰۴ ^{***}
AVRGAGE ²	۰.۰۰۰۴ ^{***}	-۰.۰۰۰۱ ^{***}	-۰.۰۰۰۱ ^{***}	۰.۰۰۰۲ ^{***}	-۰.۰۰۰۱ ^{***}	۰.۰۰۰۲ ^{***}			۰.۰۰۰۰۴ ^{***}		۰.۰۰۰۰۳ ^{**}			
PRSNMEN	۰.۳ ^{***}						۰.۰۶ ^{***}						-۰.۲۸ ^{***}	-۰.۱۶۳ ^{***}
PRSNMARRIED	-۰.۰۲۳ ^{***}		۰.۱۴۷ ^{**}		۰.۰۲۶ [*]			۰.۰۴۷ ^{***}		۰.۰۱۷ ^{**}		-۰.۰۰۹۹ ^{***}	۰.۴۴۳ ^{***}	
PRSNLIT					-۰.۰۲۶ ^{***}	۰.۰۳ [*]				-۰.۰۱۱ [*]	۰.۰۱۱ [*]			۰.۱۰۷ [*]
AVRGDGRALL		-۰.۰۰۰۴ ^{***}								۰.۰۰۹۸ ^{***}	-۰.۰۰۰۳ [*]	۰.۰۱۵ ^{***}	-۰.۰۰۴۶ ^{***}	-۰.۰۰۳۹ ^{***}
RPERGHAZINEH	-۰.۰۰۳ ^{***}		-۰.۰۰۲۲ ^{***}			۰.۰۰۴۸ ^{***}	-۰.۰۰۱۳ ^{***}		۰.۰۰۰۸ ^{***}		۰.۰۰۰۹ ^{**}	-۰.۰۰۲۷ ^{***}	۰.۰۰۲۵ ^{***}	۰.۰۰۱۸ ^{***}
AVRGSIZE	۰.۰۰۱۶ [*]		-۰.۰۰۵۶ ^{***}	۰.۰۱۴ ^{***}		۰.۰۰۵۶ [*]	۰.۰۰۲۴ ^{***}	۰.۰۱۳ ^{***}		۰.۰۰۲۵ [*]		۰.۰۱۸ ^{***}		
PRSNLTUN6	-۰.۰۱۷ ^{***}		-۰.۰۱۰۸ ^{**}	-۰.۰۱۲۵ ^{**}	-۰.۰۳۳ ^{***}	-۰.۰۲۲ ^{***}	-۰.۰۴۵ ^{***}	-۰.۰۰۹۹ ^{***}	-۰.۰۰۱۳ ^{***}	-۰.۰۰۱۴ ^{***}				۰.۲۶۴ ^{***}
PRSNLT6TO18	۰.۱۲۸ ^{***}	۰.۰۰۵ [*]		۰.۰۳۳ [*]	۰.۰۴۶ ^{***}	-۰.۰۳۱ ^{**}		۰.۰۱۸ ^{**}	۰.۰۱۸ ^{**}	-۰.۰۰۲۹ ^{***}	۰.۰۱۵ ^{***}	۰.۰۰۳۷ [*]	-۰.۰۰۸۷ ^{***}	
PRSNLTAB65			۰.۱۵۹ ^{**}	۰.۰۷۳ ^{***}			۰.۱۱ ^{***}		۰.۰۰۴ ^{***}		۰.۰۰۳۳ ^{***}			
F	۲۸.۴ ^{***}	۲۴.۳ ^{***}	۱۹۱.۸ ^{***}	۳۰.۹ ^{***}	۲۵.۱ ^{***}	۲۲.۸ ^{***}	۲۸.۷ ^{***}	۱.۸ ^{***}	۲۱.۷ ^{***}	۲۴.۴ ^{***}	۳۰ ^{***}	۶۵ ^{***}	۲۴.۷ ^{***}	۱۸.۷ ^{***}
R ²	۰.۸۲	۰.۷۸	۰.۹۷	۰.۸۳	۰.۸	۰.۷۸	۰.۸۱	۰.۷۵	۰.۷۸	۰.۸	۰.۸۳	۰.۵	۰.۸	۰.۷۵
DW	۱.۵۶	۱.۷۴	۱.۶۲	۱.۶۵	۱.۶۹	۱.۶۶	۱.۷۷	۱.۵۷	۱.۶۲	۱.۹۹	۱.۵۲	۱.۸۳	۱.۹۸	۱.۸

ماخذ: محاسبات پژوهش

۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری:

هدف‌مندی یارانه‌ها از طریق تغییر در قیمت‌های نسبی کالاها و خدمات از یک طرف و تغییر در درآمد (مستقیم و غیر مستقیم) افراد می‌تواند منجر به تغییر در الگوی مخارج مصرفی خانوارها شود. با اجرای این طرح یک باز توزیع درآمد به نفع دهک‌های پایین درآمدی و به زیان دهک‌های بالای درآمدی صورت می‌گیرد.

در این مقاله با استفاده از روش داده‌های تابلویی و با بکارگیری آمار هزینه - درآمد خانوارها، تاثیر اجرای هدف‌مندی یارانه‌ها بر الگوی مخارج مصرفی خانوارهای شهری ایران برای دوره زمانی ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۲ مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد هدف‌مندی یارانه‌ها بر روی ۹ گروه از ۱۴ گروه مخارج خانوارهای شهری تأثیر معنادار داشته است. در این بین با اجرای هدف‌مندی یارانه‌ها سهم ۵ گروه مخارج هزینه‌های خوراکی، هزینه‌های حمل و نقل، هزینه‌های مربوط به خدمات فرهنگی و تفریحات، هزینه‌های غذای آماده و هتل و رستوران و هزینه‌های کالاها و خدمات متفرقه از مخارج کل خانوارهای شهری به طور معناداری افزایش یافته است. در مقابل سهم ۴ گروه مخارج هزینه‌های بهداشتی و درمانی، هزینه‌های ارتباطات خانوار، هزینه‌های آموزش و تحصیل، و سرمایه‌گذاری خانوار از مخارج کل خانوار شهری کاهش معنادار داشته است. بنابراین می‌توان گفت اجرای طرح هدف‌مندی یارانه‌ها از طریق تغییر در ترکیب هزینه‌ها (افزایش یا کاهش سهم هر یک از هزینه‌ها)، بر الگوی مخارج مصرفی خانوارهای شهری در ایران تأثیر داشته است.

منابع:

- Aboulein, E-Laithy & kheir-E-Din, H. (2009). The Impact of Phasing of Subsidies of Petroleum Energy Products in Egypt. The Egyptian Center for Economic Studies. Working Paper No. 145.
- Ansari, V & Salami, H. (2014). Allocating Income from Targeting Subsidy

- to the Production Sectors: Distributional Impacts of Different Alternatives for the Iranian Households, *The Economic Research*, 14(2), 135-156 (In Persian).
- Hazeri Niri, H & Husseini Nasab, E. (2014). Computable General Equilibrium Analysis of the Welfare Effects of Reform of Energy Carriers' Subsidies: Hicksian Equivalent Variation Index, *The Economic Research*, 14(2), 21-40 (In Persian).
 - Lin, B. & Jiang, Z. (2011). Estimates of Energy Subsidies in China and Impact of Energy Subsidy Reform. *Energy Economics*, 33(2), 273-383.
 - Ranjbar, H., Fotros, M. H. & Kabirian, M. (2014). Effects of Subsidies Targeting on Costumers' Welfare Equivalent Variations in Iran, *Applied Economics Studies in Iran*, 3(9), 133-149 (In Persian).
 - Sadeghih, H., Shahab Lavasani, K & Baghjari, M. (2010). The Effects of Energy Price Adjustment on Macroeconomic Variables: Structural Vector Auto Regressive approach, *Journal of Research in Economics Modeling*, 1(1), 49-76 (In Persian).